

فضا در هنر تجسمی

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- مفهوم فضای تجسمی و انواع آن را توضیح دهد.
- ۲- چگونگی ایجاد عمق فضایی را توضیح دهد.
- ۳- همزمانی فضایی را توضیح دهد.
- ۴- چند نمونه ترکیب با فضاها را اجرا کند.

فضای تجسمی

روابط میان عناصری است که آن آثار را به وجود آورده‌اند. در واقع با وجود عناصر بصری و روابط میان آن‌هاست که می‌توان از فضا، شکل فضا، فضای مثبت، فضای منفی، فضای پر و فضای خالی سخن گفت. بنابراین، وقتی از فضای یک اثر سخن به میان می‌آید، تأثیرات کلی اثر در همه‌ی ابعاد مادی و محتوایی آن مورد نظر می‌باشد.

با نگرشی تحلیلی در آثار هنرمندان، فضاسازی در آثار تجسمی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) فضای سه بُعدی (واقع‌گرا): در این روش برای نمایش فضای سه بُعدی به روی سطح دو بُعدی از سه بُعدی (پرسپکتیو) و تجسم عمق و نشان دادن دوری و نزدیکی استفاده می‌شود. سه بُعدی‌هایی که معمولاً در آثار نقاشی واقع‌نما دیده می‌شود به روش‌های زیر انجام می‌گیرد:

۱- تغییر اندازه: در این روش شکل‌هایی که از نظر اندازه‌ی واقعی یکسان هستند برای ایجاد عمق فضایی به تدریج کوچک‌تر نشان داده می‌شوند و به همین نسبت هم فاصله‌ی میان آن‌ها کمتر می‌شود (شکل ۱-۵).

انسان معمولاً فضا را از طریق فاصله و ابعاد درک می‌کند. ما به‌طور طبیعی در درون فضا، که همان محیط کار و زندگی‌مان است، قرار گرفته‌ایم. همه‌ی چیزهای پیرامون ما نیز فضای زندگی ما را می‌سازند. در عین حال ما و همه چیزهای دیگر فضا را تشکیل می‌دهیم یا بخشی از فضا هستیم. بنابراین فضا یک مفهوم یا یک موضوع انتزاعی خارج از طبیعت و اشیا نیست. بلکه اشیا، موجودات و محیط پیرامون آن‌ها هستند که فضا را شکل می‌دهند. با این توصیف فضا معنای کاملاً ملموس و عینی دارد.

مفهوم فضا در هنر تجسمی نیز با توجه به فاصله‌ها و ابعاد، اجزا و عناصر بصری یک اثر معنا پیدا می‌کند. به این ترتیب سازمان‌دهی فضای تجسمی معمولاً با معنی درک مکان، زمان و اشیا و ارتباط آن‌ها با یکدیگر انجام می‌شود. در معماری و در پیکره‌سازی، مخاطب، می‌تواند در فضای اثر و در کنار آن قرار گیرد و خود نیز بخشی از فضای اثر باشد. اما در نقاشی و در طراحی، فضای اثر در مقابل مخاطب و مستقل از او معنی می‌شود. بدین ترتیب، در آثار هنر تجسمی، فضا دربرگیرنده‌ی شکل‌ها و



شکل ۱-۵- اُسکار شلمر، راه پله مدرسه باوهاوس، ۱۹۳۲ م.، رنگ روغنی روی بوم
(۱۱۴/۳ × ۱۶۲/۳ سانتی متر)؛ نمایش فضای سه بُعدی روی سطح دو بُعدی از طریق تغییر اندازه



شکل ۲-۵- آلبرت آنکر، پیرمرد بیمار، ۱۸۹۳ م.، رنگ روغنی روی بوم،
(۹۲ × ۶۳ سانتی متر)؛ ایجاد عمق فضایی با استفاده از تغییر درجه خلوص و
تیرگی رنگ

۲- تغییر رنگ و تیرگی: در این روش برای نمایش دوری و نزدیکی اشکال و اشیاء از تغییر رنگ آن‌ها در فاصله دور نسبت به رنگ همان اشیاء در فاصله‌ی نزدیک و تغییر تیرگی - روشنی استفاده می‌شود. به این ترتیب که شدت و درجه‌ی خلوص رنگ در فاصله‌ی دور کاهش یافته و به خاکستری می‌گراید. به همین نسبت شدت تیرگی شکل‌ها و رنگ‌ها در فاصله‌های دور کاهش می‌یابد (شکل ۲-۵).



شکل ۴-۵- سیمون هانتایی، ترکیب؛ تغییر اندازه شکل‌های مشابه منجر به ایجاد عمق فضا در تصویر دو بُعدی شده است.

۳- تغییر وضوح: معمولاً هر چه اشیاء از ما دورتر می‌شوند وضوح خود را بیشتر از دست می‌دهند و ما دیگر آن‌ها را به روشنی مشاهده نمی‌کنیم. در این صورت عمق فضایی با تغییر وضوح از اشکال واضح به اشکال ناواضح تعیین می‌شود (شکل ۳-۵).

ب) فضای دو بُعدی (غیرواقع‌گرا): ممکن است بدون آن‌که قصد واقع‌نمایی از طبیعت در میان باشد، هنرمند به ایجاد فضا و عمق تجسمی بپردازد. همانند آن‌چه در آثار گرافیکی و انتزاعی صورت می‌گیرد و ارتباطی به واقعیت پیرامون ندارد. در این روش ایجاد عمق و فضای بصری به روش‌های زیر انجام می‌گیرد:

- ۱- تغییر اندازه شکل‌های مشابه به صورتی که برخی از آن‌ها کوچک‌تر از برخی دیگر ترسیم و دیده شوند (شکل ۴-۵).
- ۲- تغییر تیرگی یا رنگ به صورتی که برخی از اشکال تیره‌تر و برخی روشن‌تر ترسیم شوند (شکل ۵-۵).



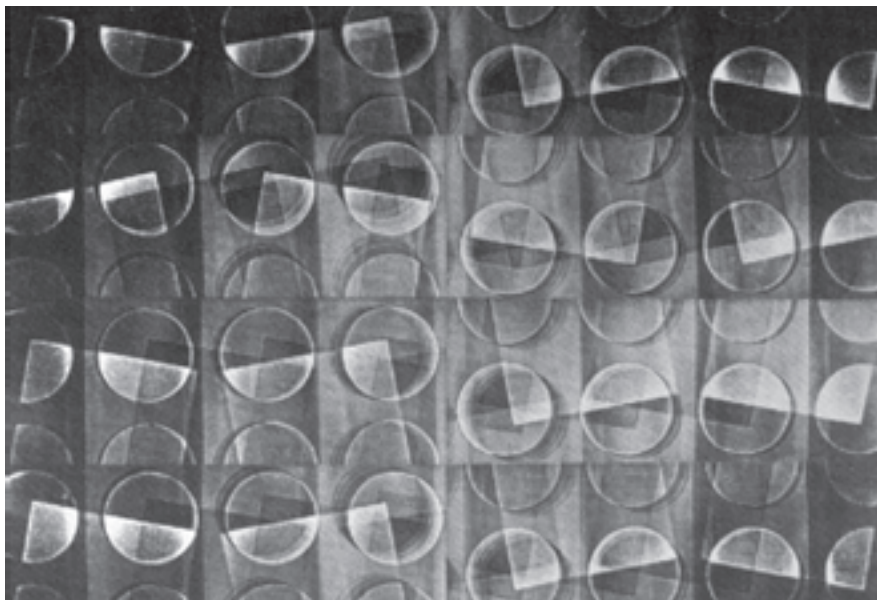
شکل ۵-۵- جیرانی کرمپای، محل ساختمان کشتی ۱۹۵۸ م.: تغییر تیرگی برای ایجاد عمق فضایی در سطح



شکل ۳-۵- دیگو ولاسکز - ندیمه‌ها، ایجاد عمق فضایی با استفاده از تغییر وضوح

۵- ترسیم یک شکل از چند زاویه‌ی مختلف و یا تغییر شکل و تغییر جهت دادن آن می‌تواند عمق فضایی را به وجود آورد (شکل ۸- ۵).

۳- شفاف‌نمایی و روی هم قرار گرفتن شکل‌ها می‌تواند عمق فضایی ایجاد کند (شکل ۶- ۵).
۴- تغییر وضوح و بافت شکل‌ها نیز می‌تواند عمق بصری ایجاد کند (شکل ۷- ۵).



شکل ۶-۵- رومانی کوتوسمان، ترکیب، ۱۹۶۷م؛ شفاف‌نمایی و روی هم قرار گرفتن شکل‌ها ایجاد عمق فضایی کرده است.



شکل ۷-۵- ماریا هلنا ویرا دوسیلوا، کارخانه برق، ۱۹۲۰م؛ تغییر وضوح و بافت شکل‌ها جهت ایجاد عمق فضایی



شکل ۸-۵- ویکتور وازارلی، ترکیب سه بُعدی. ترسیم شکل چهارگوش از زوایای مختلف در فضای بصری اثر ایجاد عمق کرده است.



شکل ۹-۵- مارک شاکال - من و دهکده ام، ۱۹۱۱ م. رنگ روغنی روی بوم (۱۵۱/۴ × ۱۹۲/۱ سانتی متر)؛ نمایش همزمان مکان‌های مختلف و اتفاقاتی که به طور موازی رخ می‌دهد فضایی گسترده‌تر از فضای واقع‌نما ایجاد می‌کند.

ج) فضای همزمان (تلفیقی): در برخی از آثار نمایش فضای تجسمی به صورت تلفیقی از فضاسازی واقع‌نما و دو بُعدنما صورت می‌گیرد. در این روش هنرمند بدون رعایت قواعد واقع‌نمایی در کل اثر، ساختار ترکیب خود را از مکان‌های مختلف به صورت موازی و به‌طور همزمان شکل می‌دهد. در عین حال سعی می‌کند با نمایش همزمان رویدادها در مکان‌های مختلف تلفیقی از فضاها داخلی و بیرونی به وجود آورد. به این ترتیب فضای تجسمی گسترش می‌یابد. در آثار نقاشی قدیم ایران این نحو از نمایش فضا به ایجاد یک فضای تجسمی گسترده برای روایت‌گری موضوعات داستانی کمک می‌کند. در هنر مدرن نیز نقاشان کوبیست کوشیدند با به نمایش گذاشتن اشیاء و مکان‌ها از چند زاویه دید مختلف زمان را در آثار خود به نمایش بگذارند. اما آن‌ها به این نگرش و شکستن شکل‌های واقع‌نما برای گریز از واقع‌نمایی، موضوع و روایت‌گری را تا حد زیادی در آثار نقاشان از میان بردند (شکل‌های ۵-۹ تا ۵-۱۱).

شکل ۱۰-۵ - خسرو در مقابل کاخ شیرین - برگي از خمسه نظامي - تبريز - مربوط به اواخر سده نهم ه.ق. (۲۹ × ۱۹ سانتی متر)؛ معمولاً در نقاشی ایرانی مکان‌ها و حوادث مختلف به طور همزمان نمایش داده می‌شوند و بدین ترتیب فضای نقاشی به روایت داستانی نزدیک می‌شود و فضای تجسمی نیز گسترش می‌یابد. این نحوه‌ی بازنمایی فضا متناسب با معانی و مفاهیم هنر ایرانی - اسلامی است.



شکل ۱۱-۵ - ژرژ براک، زن و گیتار، ۱۹۱۳ م.؛ در نقاشی کوبیسم به طور همزمان بخش‌های گوناگون یک شکل یا یک موضوع از زاویه‌های مختلف دیده و ترسیم می‌شود و بدین ترتیب نقش زمان در دیدن اشیاء تأثیرگذار است. اما در عین حال نه تنها واقع‌نمایی در اثر مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه روایت‌گری جای خود را به دو بُعدنمایی می‌سپارد.

(د) فضای وهمی: در برخی از آثار تجسمی هنرمند فضای بصری را طوری با استفاده از نمایش عناصر و شکل‌های واقع‌نما به وجود می‌آورد که در عین حال وهمی و غیرواقعی جلوه می‌کند. در این روش مخاطبان تحت تأثیر فضایی ساختگی قرار می‌گیرند که در آن اشیا و موجوداتی از واقعیت بدون ارتباط منطقی و گاه بدون رعایت ویژگی‌های طبیعی و معمول آن‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و فضایی وهمی را به وجود می‌آورند. این شیوه از فضا سازی در آثار هنرمندان رمانتیک، نمادگرا و سوررئالیست

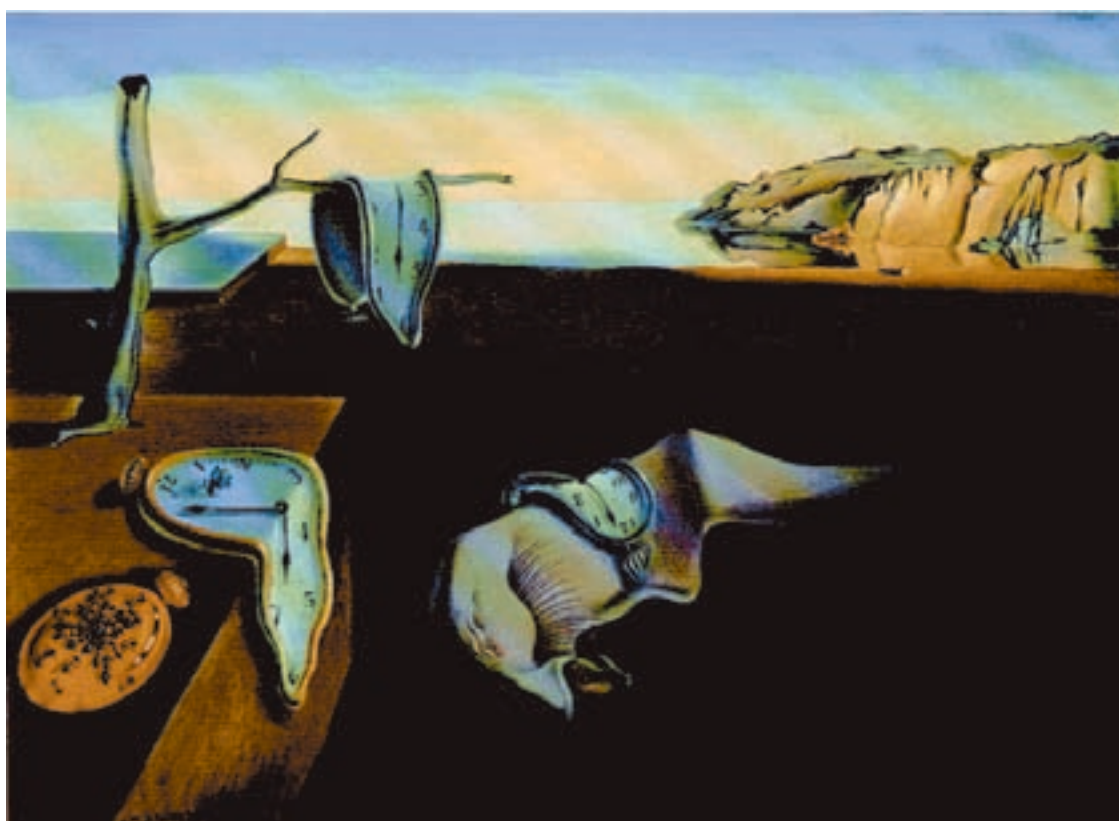
بسیار دیده می‌شود. نمایش این فضاها که جنبه‌ای خیالی و ذهنی دارد اگرچه توسط قوه‌ی خیال قابل تجسم است، اما در واقعیت و به‌طور طبیعی نمی‌تواند اتفاق بیفتد یا وجود داشته باشد. مثل ساعت‌هایی که ذوب شده و لخت هستند یا قطاری که از یک مکان خیالی و ناشناخته می‌گذرد، یا شیر و موجود درنده‌ای که بر خلاف طبیعت خود هیچ وحشت و اضطرابی ایجاد نمی‌کند (شکل‌های ۱۲-۵ تا ۱۵-۵).



شکل ۱۲-۵- جورجو دکریکو، ایستگاه راه‌آهن مون پاراناس، ۱۹۱۴م. رنگ روغنی روی بوم، (۱۸۴/۵ × ۱۴۰ سانتی‌متر)؛ ایجاد فضای وهمی با استفاده از تمهیدات بصری مثل اغراق در نمایش عمق فضای بصری و نشان دادن ارتباط‌های نامأنوس میان اشیا در آثار دکریکو دیده می‌شود.



شکل ۱۳-۵- هانری روسو، کولی خفته، — ۱۸۹۷م. رنگ روغنی روی بوم، (۲۰۰/۷ × ۱۲۹/۵ سانتی‌متر)؛ در آثار هانری روسو نیز عموماً فضای وهمی بر اساس روابط نامأنوس میان عناصر جهان واقعیت شکل می‌گیرد.



شکل ۱۴-۵- سالوادور دالی- پایداری حافظه، ۱۹۳۱م. رنگ روغنی روی بوم، (۲۴/۱ × ۳۳ سانتی‌متر)؛ در آثار نقاشان سوررئالیست ایجاد فضای وهمی بر اساس خواب‌ها و تصورات ضمیر ناخودآگاه صورت می‌گیرد.



شکل ۱۵-۵- صادقی، علی اکبر؛ مأخذ: کتاب نمایشگاه، نگاه معنوی، ایجاد فضایی وهمی در اثر تلفیق فضاها و عناصر نامأنوس با یکدیگر

تمرین

۱- با ترسیم یا استفاده از فن کولاژ و یا تلفیق این دو شیوه، برای به وجود آوردن و نمایش هرکدام از فضاهای (واقع نما، دو بُعدی، همزمان و وهمی) یک تمرین انجام دهید. توجه داشته باشید که در این تمرین با نظر هنرآموز ترجیحاً از کادر با ابعاد بزرگ استفاده شود و از تجارب تمرین‌های گذشته برای ایجاد ترکیب‌های موفق بهره بگیرید.

۲- برای هرکدام از فضاهای تجسمی مورد بحث این فصل، یک نمونه‌ی مناسب از میان آثار هنرمندان انتخاب کنید و درباره‌ی ویژگی‌های آن در کلاس توضیح دهید. به نظر شما این فضاها در عرصه‌های مختلف هنرهای تجسمی و بصری چگونه ارائه می‌شود؟